

(فصل چهارم)

ساخته شده برای ماندن تا ابد

(خدا) ابدیت را در دل‌های ایشان نهاده... (جامعه ۱۱:۳)

من مطمئنم که خدا موجودی مثل انسان را تنها برای یک روز نیافریده. نه، هرگز، انسان برای ابدیت ساخته شده. (آبراهام لینکلن)

زندگی فقط این چند صباح نیست.

زندگی بر زمین فقط پروب لباس است قبل از تولید اصل آن. قسمت اعظم زندگی شما بیشتر آنطرف مرگ- یعنی در ابدیت- سپری خواهد شد تا اینجا بر زمین. زمین منطقه ایفاء نقش و کودکستان و آزمایشی است برای زندگی در ابدیت. اینجا تمرین آمادگی قبل از بازی اصلی و گرم کردن بدن قبل از مسابقه است. این زندگی آمادگی ای است برای زندگی بعدی.

اگر حداقل صد سال نیز بر زمین زندگی کنید، باز هم جاودانگی خود را در ابدیت خواهید گذرانید. همچنانکه آقای توماس براون گفته اند: "زندگی شما یک پرانتز کوچک در ابدیت است." شما برای ماندن تا ابدیت ساخته شده اید. کتاب مقدس می‌فرماید: "خدا ابدیت را در دل انسانها نهاده..." (جامعه ۱۱:۳) شما یک غریزه مادرزادی دارید که همیشه باقی است، چون خدا شما را بصورت خود آفریده تا برای ابدیت زندگی کنید. اگرچه ما می‌دانیم که همه بالاخره می‌میرند، اما مرگ همیشه غیرطبیعی و نامأنوس به نظر می‌آید. دلیل این امر این است که خدا مغزهای ما را با این اشتیاق کوک کرده است!

یک روز قلب شما از کار خواهد افتاد و آن زمان لحظه پایان کار بدن شما و وقت شما بر زمین خواهد بود، اما مسلماً پایان واقعی شما نخواهد بود. بدن زمینی شما فقط اقامتگاه موقتی روح شما می‌باشد. کتاب مقدس بدن زمینی شما را یک خیمه یا چادر می‌خواند، اما به بدن آینده شما بعنوان یک "خانه" اشاره می‌کند. کتاب مقدس می‌فرماید: "زیرا می‌دانیم وقتی این خیمه که اکنون در آن زندگی می‌کنیم فرو ریزد، یعنی وقتی بمیریم و این بدنهای خاکی را ترک گوئیم، در آسمان خانه‌ها یعنی بدنهایی جاودانی خواهیم داشت که بدست خدا برای ما ساخته شده است، نه بدست انسان." (دوم قرنتیان ۵:۱)

در حالیکه بر زمین امکان انتخابهای گوناگون داریم، ابدیت تنها دو انتخاب به ما عرضه می‌کند: بهشت یا جهنم. رابطه شما با خدا بر زمین تعیین کننده رابطه شما با او در ابدیت خواهد بود. اگر یاد بگیرید که عیسی مسیح، پسر خدا را محبت کنید و به او اعتماد داشته باشید، آنگاه دعوت خواهید شد که ابدیت را با او سپری کنید. از طرف دیگر اگر محبت، بخشش و نجات او را رد کنید، ابدیت را جدا از خدا تا جاودان خواهید گذرانید.

سی.اس.لویس گفت: "دو نوع مردم وجود دارند: آنانی که به خدا می‌گویند: "اراده تو کرده شود." و آنانی که خدا به ایشان می‌گوید: "بسیار خوب هر طور تو می‌خواهی انجام بده." با کمال تأسف باید گفت که بسیاری از مردم ابدیت را بدون خدا خواهند گذرانید چون آنها زندگی بدون خدا را اینجا بر زمین برگزیدند.

هر گاه این را کاملاً درک کنید که زندگی خیلی بیشتر از زمان حاضر است و نیز این را متوجه شوید که زندگی فقط یک آمادگی برای ابدیت است، آنگاه به نوع دیگری زندگی خواهید کرد. شما شروع به روشنایی ابدیت خواهید کرد و این مسئله بر اینکه، با هر رابطه یا وظیفه یا موقعیت چطور باید برخورد کنید، رنگ و بوی خاصی خواهد بخشید. ناگهان بسیاری فعالیتها و هدفها و حتی مشکلات، ناچیز، کم اهمیت و بی ارزش بنظر خواهد آمد. هر چه زندگی شما به خدا نزدیکتر شود، مسائل دیگر، بسیار کوچک جلوه خواهند کرد.

وقتی در نور ابدیت زندگی کنید، ارزشهای شما تغییر خواهند کرد و وقت و پول خود را حکیمانه تر صرف خواهید کرد و ارزش والاتری به روابط و شخصیت خواهید داد تا شهرت یا ثروت یا موفقیت یا حتی تفریح. اولویتهای شما جای خود را عوض خواهند کرد. نگه داشتن گرایشات یا مدها و یا ارزشهای مورد علاقه عموم دیگر به اندازه سابق برایتان مهم نخواهد بود. پولس رسول فرمود: "اما اکنون همه این امتیازات را که روزگاری برایم بسیار با ارزش بود، دور ریخته

ام، تا بتوانم ایمان و امیدم را به مسیح ببندم." (فیلیپیان ۷:۳)

اگر تمام وقت شما بر زمین همه آن چیزی است که الآن در آن بسر می‌برید، پیشنهاد می‌کنم بهتر است فوراً شروع به خوش گذرانی کنید. شما می‌باید خوب بودن و اخلاقی بودن را فراموش کنید و نیز نیاید در مورد نتیجه اعمالتان نگران باشید و می‌بایست با زندگی برای خود ارضاء می‌شدید چون اعمالتان عواقب درازمدتی نخواهند داشت. ولی- **تفاوت در اینجا است**- مرگ پایان شما نیست! مرگ کورتاز یا سقط شما نیست، بلکه انتقال شما به ابدیت است و به این علت عواقب و نتایج ابدی از همه آنچه بر زمین انجام می‌دهید، خواهید دید. هر عمل زندگی ما با آکوردهایی برخورد می‌کند که انعکاس و ارتعاش آن در ابدیت خواهد بود.

آسیب رساننده ترین جنبه زندگی موقتی، کوتاه فکری می باشد. برای بیشترین استفاده از زندگیتان می بایست این رؤیای ابدیت را دائماً در فکرتان و ارزش آن را در قلبتان نگه دارید. زندگی مفهومی بیشتر از این چند صباح دارد! امروز قسمت دیدنی کوه یخی را می بینی اما در ابدیت بقیه آن را که زیر سطح آن قرار دارد خواهی دید.

زندگی در ابدیت با خدا چگونه خواهد بود؟ مسلماً "حجم مغز ما قادر به درک عظمت و بزرگی آسمان نخواهد بود. مثل توضیح دادن اینترنت به یک مورچه. این کار کاملاً بی فایده است. هنوز کلماتی یافت نشده که بتواند معنای تجربه ابدیت را بیان کند. کتاب مقدس می فرماید: "آنچه را هیچ چشمی ندیده، هیچ گوشی نشنیده، و به هیچ اندیشه ای نرسیده، خدا برای دوستان خود مهیا کرده است." (اول قرنثیان ۲: ۹)

اما بهر حال، خدا پرتوهایی از ابدیت را در کلامش به ما نشان داده است. ما این را می دانیم که هم اکنون خدا برای ما خانه ای آماده می کند. در آسمان با افرادی که ایماندار و دوستان ما هستند روبرو خواهیم شد و از هر درد و رنج آزاد خواهیم بود و کاری به ما سپرده خواهد شد که ما علاقمند به انجام دادن آن هستیم. ما روی ابرها در گوشه ای دراز خواهیم کشید تا نوازش چنگ قدیسینی که دور سرشان هاله نور است نظاره گر باشیم! بلکه از رابطه دائمی با خدا لذت خواهیم برد و او نیز از حضور ما برای مدتی ابدی و بی پایان لذت خواهد برد. یک روز عیسی خواهد گفت: "بیائید، ای برکت یافتگان از پدر من، و پادشاهی ای را به میراث یابید که از آغاز جهان برای شما آماده شده بود." (متی ۲۵: ۳۴)

سی.اس.لوئیس در آخرین صفحه کتاب هفت جلدی اش بنام تواریخ نارنیا این جنبه ابدیت را چنین به تصویر کشیده: "برای ما این پایان هر داستانی است... اما برای آنان این تنها آغاز یک داستان واقعی است. تمام زندگی آنها در این دنیا... صفحه عنوان و جلد کتابی بود که آنان شروع به خواندن فصل اول داستان بزرگ می کردند که هیچکس بر زمین آن را نخوانده و این داستان تا ابدیت ادامه دارد و هر فصل آن زیاتر از فصل قبلی است." (سی.اس. لوئیس- کتاب نبرد آخر) خدا برای زندگی تو بر زمین هدفی دارد و این هدف بر زمین تمام نمی شود. نقشه او بیشتر از چند دهه را که شما بر این سیاره سپری خواهید کرد شامل می شود. این فرصتی بالاتر از مدت زمان زندگی شما است. خدا به شما فرصتی بیشتر از مدت زندگیتان بر زمین می بخشد. کتاب مقدس می فرماید: "مشورت خداوند قائم است تا ابد/آباد. تدبیر قلب او تا دهر/الدهر." (مزمور ۳۳: ۱۱)

تنها زمانی که مردم در مورد ابدیت فکر می کنند، موقع تشییع جنازه است و آن اغلب طرز فکری سطحی و احساساتی برپایه عدم آگاهی می باشد. شاید احساس کنید فکر کردن در مورد مرگ ترسناک است، ولی در واقع اگر همیشه در حال انکار مرگ زندگی کنیم این نیز ناسالم است و به چیزی که اجتناب ناپذیر است بی توجهی می کنیم. فقط یک شخص نادان بدون آمادگی وارد زندگی ای خواهد شد که همه ما می دانیم بالاخره اتفاق خواهد افتاد. در حقیقت می بایست در مورد ابدیت بیشتر فکر کرد و نه کمتر.

همانگونه که آن نه ماهی که در رحم مادران سپری کردید، در خود پایدانی نداشت بلکه آماده می شدید تا زندگی کنید، این زندگی نیز یک آمادگی برای بعدی است. اگر توسط عیسی مسیح با خدا رابطه دارید، نیازی به ترس از مرگ نیست بلکه مرگ دروازه ای است به سوی ابدیت. درست است که لحظه مرگ آخرین فرصت شما بر زمین است ولی انتهای شما نیست. در حقیقت پایان زندگی شما، جشن تولد شما در ابدیت خواهد بود. کتاب مقدس می فرماید: "این دنیا خانه دائمی ما نیست، و ما انتظار می کشیم تا به خانه ابدی خود در آسمان برسیم." (عبرانیان ۱۳: ۱۴)

در مقایسه با ابدیت، زندگی ما بر زمین فقط یک چشم به هم زدن است اما عواقب آن تا ابد باقی خواهد ماند. اعمال این زندگی سرنوشت زندگی بعدی است. ما می باید "بدانیم که هر لحظه از عمرمان که در این بدن خاکی صرف شود، دور از مسیح و خانه ابدی مان، صرف شده است." (دوم قرنثیان ۵: ۶) سالها پیش شعار معروفی مردم را تشویق می کرد که: "هر روز را طوری زندگی کنید، که شروع بقیه زندگیتان می باشد." در واقع حکیمانه تر خواهد بود که هر روز را طوری زندگی کنیم که آن روز، آخرین روز زندگیمان می بود. متیو هنری گفت: "مشغولیت هر روز ما، می باید آماده شدن برای روز نهایی باشد."

نکته مورد توجه: زندگی بیشتر از زمان حاضر است.

آیه حفظی: (اول یوحنا ۲: ۱۷)

سوالی که باید از خود بکنید: با توجه به اینکه برای ابدیت ساخته شده ام، کاری که باید از انجام آن باز ایستم چیست و کاری که امروز می باید شروع به انجام آن کنم چیست؟